

مغبون به چه معناست؛ مغبون و زیانکار حقیقی کیست؟

به چه کسانی مغبون و زیانکار می‌گوییم؟

وقتی صحبت از یک فرد مغبون و زیانکار به میان می‌آید، بسیاری از ما یاد تجربه‌های تلخ و زیان‌هایی می‌افتیم که خودمان و اطرافیانمان به خاطر انتخاب‌ها و تصمیم‌های اشتباه داشته‌ایم؛ برای مثال، سال‌ها پیش در چیزی سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، اما سودی عایدمان نشده است یا چند سال در یک رشته دانشگاهی تحصیل کرده و بعد از چند سال درس خواندن به این نتیجه رسیده‌ایم که در انتخاب رشته اشتباه کرده‌ایم و باید آن را رها کنیم. صدها مثال دیگر را هم می‌توانیم دربارهٔ چنین ضرر و زیان‌هایی بزنیم که در زندگی همهٔ ما کمابیش وجود داشته است؛ برخی از آن‌ها را جبران کرده و از برخی دیگر تجربه کسب کرده‌ایم. به‌طور کلی مغبون به کسی گفته می‌شود که در چیزی ضرر و زیان کرده است. مسلماً مغبون شدن در هیچ زمینه‌ای برای ما خوشایند نیست. همهٔ ما دوست داریم از تمام فرصت‌های زندگی خود حداکثر استفاده را ببریم و همهٔ معاملات، سرمایه‌گذاری‌ها و تلاش‌هایمان برای‌مان سودمند و مفید باشند. اما با این وجود و با کمال تعجب، بسیاری از ما از مهم‌ترین و ارزشمندترین فرصت‌مان در زندگی، یعنی عمرمان غافل هستیم و به راحتی آن را از دست می‌دهیم و ضرر جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شویم.

حالا این سؤال پیش می‌آید که منظور ما از سود و زیان در استفاده از عمر چیست؟ چون دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد و همهٔ افراد سود و زیان را در چیزهای یکسانی نمی‌بینند؛ برای مثال، برخی از ما اگر ثروتمند شده و خانه و اتومبیل گران‌قیمت داشته باشیم خود را موفق می‌دانیم و فکر می‌کنیم از عمرمان درست استفاده کرده‌ایم. بعضی از ما ورزشکار حرفه‌ای و قهرمان شدن را نشانهٔ موفقیت تصور می‌کنیم. تعدادی از ما هم رسیدن به مقام، شهرت، رتبه‌های اجتماعی یا داشتن مدارک بالای تحصیلی و رتبه‌های عالی علمی را عامل موفقیت‌مان در زندگی می‌دانیم و در صورت عدم دستیابی یا از دست دادن آن‌ها، خود را مغبون و زیانکار می‌دانیم. به راستی اگر فردی در زندگی خود به هیچ کدام از این کمالات دست نیابد،

مغبون و زیانکار به حساب می‌آید؟ سود و زیان ما در هرچیزی به تعریف آن چیز و هدف نهایی که برای آن در نظر گرفته شده، بستگی دارد؛ برای مثال در مورد یک درخت میوه، وقتی باغبان به هدف خود می‌رسد که آن درخت به ثمر بنشیند و میوه‌های سالم و خوشمزه بدهد. در غیر این صورت، هرچند باغبان بهره‌های دیگری از آن درخت برده باشد؛ مثلاً از سایه آن استفاده کرده باشد، باز هم مغبون و زیانکار است. در مورد خودمان هم همین‌طور است. ما به عنوان یک انسان، زمانی مغبون محسوب می‌شویم که به هدف خلقت خود به طور کامل نرسیم. اما چه کسانی و چرا مغبون و زیانکار می‌شوند؟

مغبون و زیانکار حقیقی

برای تشخیص یک انسان مغبون، ابتدا باید تعریف انسان و هدف خلقت او را یادآوری کنیم. همان‌طور که در درس قبل به‌طور کامل توضیح دادیم، هرکدام از ما دارای پنج بُعد وجودی جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی هستیم. همه ابعاد وجود ما به جز بعد فوق عقلی یا انسانی، با دیگر موجودات مشترک است و ما تنها به واسطه بعد فوق عقلی وجودمان، انسان نامیده می‌شویم. بعد فوق عقلی وجود ما، که همان روح دمیده شده از سوی خداوند در ماست، ابدی و جاودانه است و عاشق کمال مطلق و بی‌نهایت یعنی الله است؛ به عبارت دیگر، بعد انسانی یا خود حقیقی ما از خداست و به سوی خداوند بازمی‌گردد. نام دیگر بعد فوق عقل، قلب است. هدف از خلقت و عامل سعادت ما در آخرت هم کسب یک قلب سالم است. ما به دنیا آمده‌ایم تا در فرصت عمر به کمال انسانی یا قلب سالم برسیم و ابدیت خود را با آن بسازیم.

تنها دارایی ما در زندگی ابدی، قلب سالم است. قلب سالم یعنی با کسب معرفت و جذب صفات الهی، شبیه معشوق حقیقی‌مان، الله، شده باشیم؛ بنابراین کسانی که از فرصت عمر خود به‌درستی استفاده نکرده و هنگام وفات و تولد به آخرت قلب سالم نداشته باشند، مغبون و زیانکار خواهند بود و طبیعتاً شرایط لازم

برای ورود به بهشت را ندارند؛ هرچند که دارای انواع کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی، مانند ثروت، قدرت بدنی، موقعیت اجتماعی و علمی خوب و ... باشند. البته همه این کمالات در جای خود خوب و باارزش‌اند؛ اما به شرطی که ابزاری برای رسیدن ما به خداوند و کسب کمالات انسانی و قلب سالم باشند. در غیر این صورت، برخورداری از آن‌ها نه تنها فایده‌ای برای ما نخواهد داشت، بلکه باری بر دوش‌مان می‌شوند و حرکت ما به سمت ابدیت را کند یا متوقف می‌کنند.

اما دلیل مغبون و زیانکار شدن چیست و چه عواملی در این موضوع دخیلند؟

چرا برخی از ما مغبون و زیانکار می‌شویم؟

اصلی‌ترین دلیل مغبون شدن ما انسان‌ها این است که خودمان را آنطور که باید نمی‌شناسیم؛ لذا از هدف خلقت و عوامل سعادت‌مان در دنیا و آخرت بی‌خبریم و نمی‌توانیم سود و زیان خود را به درستی تشخیص دهیم. نشناختن خود، شروع تمام بدبختی‌ها و گرفتاری‌های ما در زندگی است. زمانی که ما حقیقت وجودمان را از یاد می‌بریم و به خودفراموشی دچار می‌شویم، خدا نیز از یادمان می‌رود و اینگونه است که دل به معشوق‌های پوشالی و قلابی می‌دهیم و همه عمر، خودمان را با عشقبازی با آن‌ها سر کار می‌گذاریم! البته در این میان، هستند کسانی که به راز خلقت خود پی می‌برند، اما از آن‌جا که بخش‌های حیوانی وجودشان بر بعد انسانی غلبه دارد و **نظام محبتی‌شان** تنظیم نیست، نمی‌توانند در راهی که پیش رویشان گشوده شده، به درستی حرکت کنند. در نتیجه با این‌که حق را تشخیص می‌دهند، اما توان حرکت در مسیر آن را ندارند و در همان نقطه‌ای که هستند دائماً در جا می‌زنند. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در مورد چنین افرادی می‌فرماید: «مغبون کسی است که به دنیا سرگرم شود و بهره آخرت از دستش برود.»^۱

^۱ المغبون من شغل بالدنيا، وفاته خطه من الآخرة (آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۲)

در قانون نسبت گفتیم که رابطه دنیا با آخرت، مانند رابطه رحم مادر با دنیاست. همان‌طور که مدتی توقف در رشد و تکامل جنین در رحم مادر، زیان قابل توجهی به او می‌زند، توقف حرکت ما در دنیا و کندی و سستی‌مان در سلوک به سمت خدا نیز برای‌مان بسیار مضر است و تأثیر بدی در سعادت ابدی ما خواهد داشت. رابطه مستقیمی که بین استفاده درست از فرصت عمر و خوشبختی ابدی ما وجود دارد، ارزش فوق‌العاده لحظات عمر را برای ما آشکار می‌کند. این مسئله به قدری مهم است که در تعالیم اسلامی آمده: «کسی که دو روزش مساوی باشد، مغبون است.»^۲ یعنی اگر ما هر روز، حرکت رو به جلو و پیشرفت به سوی هدف خلقت نداشته باشیم، مغبون و زیانکار خواهیم بود. یکی از نام‌های روز قیامت هم «یوم‌التغابن» است؛^۳ یعنی روز آشکار شدن زیان‌ها. ما در دنیا متوجه این زیان بزرگ نیستیم و ساعت‌های ارزشمند عمر خود را بیهوده هدر می‌دهیم؛ اما به محض تولد به برزخ و در روز قیامت، برای همه لحظاتی که از دست داده‌ایم و از آن‌ها برای تقرب به خدا استفاده نکرده‌ایم، حسرت زایدالوصفی خواهیم خورد؛ حسرتی که تا عمق جان را می‌سوزاند.

در این درس درباره انسان مغبون صحبت کردیم. گفتیم حقیقت وجود ما از جنس خداست و ما در نهایت به سوی خدا باز می‌گردیم. ما موجودی ابدی و جاودانه هستیم و حضور ما در دنیا تنها یک فرصت است، برای آنکه ابدیت‌مان را با آن بسازیم. هدف از خلقت ما کسب قلب سلیم، رسیدن به معرفت و جذب اسماء و صفات الهی است. بنابراین مغبون و زیانکار حقیقی، کسی است که به جای تلاش برای رسیدن به هدف خلقتش به دنیا سرگرم شود و آخرت خودش را نابود کند. مغبون کسی است که در مسیر حرکت به سمت خدا دچار توقف شود و از سرعت و سبقت بازماند.

^۲ «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَآهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۴

^۳ سوره تغابن، آیه ۹